

داستانسرایانی چون فردوسی فرق داشت. از این گروه دینوری و مقدسی را باید نام برد که اولی معاصر فردوسی نیست (متوفی ۲۸۲ هـ است) و دومی ایرانی نیست. از مؤلفان ایرانی معاصر فردوسی تنها حمزه است که به مقوله شهریاران ایران با ملوک و انبیای بنی اسرائیل پرداخته است.

باری مقصود نگارنده این سطور نکته گیری از مقدمه آقای دیویس - که به هر جهت در کلیت خود فاضلانه نوشته شده - نیست. چنین نقائصی اگر در کتابی عادی می بود بسا به چشم هم نمی آمد. ولی ما در این جا با یک کتاب عادی سرو کار نداریم. شیر و اورنگ از زیباترین و خواندنی ترین شاهنامه هایی است که تا کنون به چاپ رسیده - ولو ترجمه باشد. تهیه چنین کتابی بدون همت بلند و طبع کمال جوی ناشران آن امکان پذیر نمی بود. باید از آقای محمد باتمانقلیج و خانم نجمیه باتمانقلیج سپاسگزار بود که به چنین توفیقی نائل آمده اند و به فهرست آثار نفیس و ماندنی انتشارات میج شاهکاری دیگر افزوده اند.

نیویورک

### بال اسپراکن

*Choreophobia: Solo Improvised  
Dance in the Iranian World*  
Anthony Shay  
Costa Mesa, CA. Mazda, 1999  
235 pp.

بیم ازرقص: رقص بداهه یک نفری

در جهان ایرانی

نوشته آنتونی شی

کالیفرنیا، انتشارات مزدا، ۱۹۹۹

۲۲۵ صفحه

نویسنده، عنوان کتاب خود را "Choreophobia"، به قیاس Claustrophobia (تنگنا نرسی) یا hydrophobia (ترس از آب)، انتخاب کرده است تا مفهوم «ترس واهی از رقص» یا «بیم ازرقص» را برساند. بیم ازرقص بر اساس پایان نامه دوره دکتری نویسنده در برنامه تاریخ و تئوری رقص دانشگاه کالیفرنیا، ریورساید، نوشته شده است. دکتر شی می نویسد که در حوزه فرهنگی ایرانی، گاهی «روحیه بیم ازرقص» پدیدار می شود که پدیده ای است دارای دو جنبه متضاد (ص ۱). از طرفی، اهل حوزه فرهنگی ایرانی، رقص و رقصندگان را شدیداً مورد انتقاد قرار می دهند. امروزه در کشورهای «اسلام سالار» مانند

جمهوری اسلامی ایران و افغانستان طالبان، رقصیدن ممنوع شده است. یکی از پیامدهای منع کردن این هنر این است که رقص، خواه یک نفری خواه گروهی، نمادی از مقاومت سیاسی با رژیم اسلامی تلقی می شود (ص ۱۴). از طرف دیگر همان کسی که از رقصیدن بیمناک است، وقتی که با نزدیکان و دوستانش، و به دور از چشم دیگران است، می تواند مرتکب جرم رقصیدن یک نفری گردد. در کتاب بیم از رقص، کوشش نگارنده، که خود رقصنده حرفه ای، طراح رقص (choreographer)، بنیانگذار و سرپرست گروه رقص «آواز» می باشد، بر آن است که رقص بداهه یک نفری را با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی فرهنگ ایرانی هم در ایران و هم خارج از آن در میان دسته های گوناگون مهاجرین ایرانی مقیم کالیفرنیا جنوبی (تهران کوچک) مورد بررسی قرار بدهد.

کتاب مشتمل است بر هفت فصل؛ در فصل اول، نویسنده حرکات گوناگون اعضای بدن رقصنده را معرفی می کند و نشان می دهد که جنیندن موزون بازو و دست رقصنده می تواند در ذهن تماشاگران صوری را مجسم سازد که شبیه حروف الفبای فارسی «س»، «ل»، و «ح» است. اهمیت بداهه کاری و نوآوری در هنرهای سنتی ایرانی، مانند نقاشی و نقالی، و پیوندهای آن هنرها با رقص نیز در این فصل مورد بحث قرار می گیرد. فصل دوم به جنبه های تاریخی رقص ایرانی اختصاص دارد. تاریخچه دو جنبه رقص در ایران نشان می دهد که رقص از قدیم الایام «فرومایه ترین هنرهای ایرانی» همتای فاحشه گری، به شمار می رفته است. فصل سوم درباره حلال یا حرام بودن موسیقی و رقص در اسلام است.

فصلهای چهارم و پنجم و ششم مهمترین قسمت های کتاب است. مطالبی که در بخش چهارم از آنها سخن به میان می آید عبارت است از ویژگیهای تاریخی و اجتماعی و فرهنگی گروههای مهاجر ایرانی مقیم امریکا، از رقص یک نفری به قصد سر خود رقصنده را گرم کردن در مهمانیها و گردهماییهای خصوصی، و از رقص یک نفری نمایشی به منظور سرگرم کردن تماشاگران در حضور جمع.

در فصل پنجم نویسنده به دنبال آن نشانه هایی می گردد که رقص یک نفری را «افراطی» یا «مستعجن» (به قول وی out of control) می سازد. دکتر شی از مشاهدات زیاد خود از رقصهایی که در محافل و مهمانیهای ایرانی برگزار شده بهره برده است تا این میزان را به دست بدهد:

out of control

افراطی

transgressive

زیاده رو

nomative

میانه رو

حرکات معتدل دست و پا: از حرکات هوس انگیزتر: جنباندن کاملاً هوس انگیز نظر بازی خود داری کردن: جنباندن ملایم کفل: تقلید ادا و سینه و سرین و کفل، «نیمه پاکدامنی و پرهیزکاری در اطوار رقص مردانه» «شاطری». «لخت» نمودن: نظر بازی: تقلید لباس پوشیدن. از رقصه های عرب

طبق گزارش نویسنده، در مهمانیها و عروسیهای ایرانی، میزبان باید از مهمانان خود چند بار خواهش و حتی استدعا کند تا آنان برقصند. اگر مهمان بدون دعوت یا تشویقهای پی در پی مهماندار، خود به خود دست به کار شود، رقصیدن وی «جلف» و «سبک» به حساب می آید. نویسنده نیز به این نکته اشاره می کند که رقص افراطی زنان میانسال بیشتر قابل قبول دسته های ایرانیان مهاجر است تا پاییکوبی دخترانی که در شرف وارد شدن به بازار زناشویی اند. گویا رقصیدن «سکسی» خانمهای بزرگ سال باعث فتنه نمی شود در حالی که حرکات هوس انگیز جوانان خوش اندام می تواند نظام اجتماعی را مورد تهدید قرار دهد. عواملی که در تعیین حد «بیم از رقص» میان مهاجران ایرانی مقیم کالیفرنیا جنوبی مؤثر است به ترتیب اهمیت عبارت است از: شخصیت، بافت اجتماعی، جنسیت، سن، طبقه اجتماعی، و میزان تدبیر رقصنده.

در فصل ششم رقص به عنوان نمایی از نمایشهای سنتی ایرانی مانند روحوضی، سیاه بازی، و بازیهای نمایی مورد بحث قرار می گیرد. در این فصل، نویسنده نمایشهای رقص اصیل ایرانی را از خیال بافیهای فیلمهای «هزار و یکشب» هالیوود به دقت مشخص می سازد. می نویسد که نفوذ برداشتها و انگاره های شرق شناسان قرن نوزدهم و بیستم میلادی نه تنها در کار رقص نویسان غیر ایرانی هویدا است بلکه گاهی در برنامه های رقص حرفه ای ایرانیان مهاجر نیز آشکار می گردد. نویسنده کاربرد انگاره های شرق شناسانه هالیوود را در آثار خود ایرانیان، «self-exoticism» یا بیگانگی گرای بیومی می نامد. این نوع بیگانگی گرای، سازنده صحنه های رقصهای عجیب و غریب است که نویسنده چند نمونه از آنها را می آورد. صور آدمهایی که در سده های پیشین مینیاتور سازان ایرانی آنها را کشیده اند، جان می گیرند و می رقصند: دخترانی خوشگل و تپلی که دامنچه هایی پیکر نما به تن دارند که در فرهنگ ایرانی بی سابقه است پای می کوبند؛ شاهان کیانی با خوانندگان زن کازینوهای لاس و گاس مامبو و چاچا می رقصند. شعرا در باغی بهشت آیین خوابهایی شهوت انگیز می بینند؛ و درویشان می چرخند (ص ۱۵۸). بیم از رقص تماشاگران این نوع صحنه ها کاملاً درک کردنی است.

بیشتر منابع کتابهای فارسی پژوهشهای دکتر شی آثار تاریخی ست مانند تاریخ رقص

در ایران نوشته یحیی ذکاء یا هنرشناسی مانند نمایش در ایران نوشته بهرام بیضایی. شی نیز بارها از ملاحظات شفاهی چند خبررسان (informants) ایرانی مانند خسرو جمالی («جمال» در متن) و اردوان مفید نقل قول می کند. به نظر این نگارنده گفتنی است که می توان به سراغ نمونه های آموزنده بیم از رقص در داستانهای پر فروش فارسی معاصر نیز رفت. خوانندگان فراوان کتاب سوو شوون سیمین دانشور، به عنوان مثال، با رقصه ای هندی به نام سودا به آشنا می گردند که در طرح رمان نقش مهمی دارد. حاج آقا که پدر شوهر «زری» (قهرمان سووشون) و یکی از پرنفوذترین علمای شیراز است پس از دیدن رقص یک نفری سودا به عاشقش می گردد. از شرح رقص سودا به که راوی آن دختر حاج آقا، عمه خانم است، معلوم می شود که هنرنامه ای رقصه هندی در مقوله نمایشهای افراطی می گنجد:

[سودا به] به نظر می آمد لخت است و فقط خودش را با جواهرات پوشانیده. اما لخت نبود. سینه بند جواهر نشانی داشت و زیر آن تمام بدنش را با یک جور جوراب رنگ گوشت پوشانیده بود... همه اعضای بدنش را حرکت می داد. کتف و شکم و ابرو که سهل است حتی چانه و بینی و گوش و مردمک چشمش را هم تکان می داد. با حرکاتش وانمود می کرد که روی جسد مردی دارد می رقصد... بعد از رقص سوم خیلی گرمش شده بود. با همان لباس اطلس صورتی که تنش بود سر آب نما نشست و پاهای لختش را در آب کرد. و من دیدم حاج آقا - مجتهد جامع الشرایط شهر - روبه روی سودا به نشسته و با باد بزن بادش می زند.

بالاخره دلباختگی مجتهد منجر می شود به ریختن آبروی خانواده اش و جدا شدن وی از بی بی خانم، همسر و مادر فرزندان. بی بی بدبخت به کربلا مهاجرت می کند و آن جا تنها و تهیدست می میرد.

نمونه دیگری از «بیم از رقص» ایرانی «اصیل» در داستان بسیار موفق (حداقل نه بار در ایران تجدید چاپ شده) باغ مارشال نوشته حسن کریم پور شیرازی می آید. گوینده داستان، خسرو، که مردی «عشایری» ست ساده دل و پرهیزکار، با زنی به نام سیما ازدواج می کند که در خانواده فرنگی مآب بار آمده ست. خسرو و سیما به انگلستان می روند تا خسرو بتواند در دانشگاه لندن طب بخواند. طبق معمول در فرنگ، خسرو رفته رفته عشایری تر و مالا اصیل تر و در عین حال متدین تر می شود و سیما غربی تر. پس از ورودشان به لندن دیری نمی پاید که با همدیگر به ضیافتی بزرگ در کاخ «باغ مارشال» («ماشاءالله» فی الاصل) می روند و در آن جا خسرو شاهد صحنه هایی از بیگانگی گرایی بومی می شود.

من و سیما داخل شدیم. سالن آینه کاری آن همه چلچراغ، لوستر، تابلو و گچبریهای هنری،

به عمارت شاه پریان و قصه های «هزار و یک شب» شباهت داشت.  
در یک قسمت از سالن، همه مهمانان دست در دست، به رقص و پایکوبی مشغول بودند. هیچ کس آرام و قرار نداشت.<sup>۲</sup>

پس از این که خسرو برای اولین بار لب به مشروب می زند، او و سیما نیز وارد گود می گردند:

سیما دست مرا گرفت و به جایی که بساط رقص بر پا بود، برد چشمم به سیاوش [برادر سیما] افتاد که دارد با یک دختر انگلیسی می رقصد. تعجب نداشتم؛ چون هر کس با هر کس که دلش می خواست، می توانست برقصد. من دست سیما را محکم گرفته بودم و او هم خودش را به من چسبانده بود. چند جوان انگلیسی به ما نزدیک شدند؛ قبل از این که به سیما چیزی بگویند و باعث درد سر شوند، سر جایمان برگشتیم.<sup>۲</sup>

امکان آبروریزی، خسرو را از میدان رقص می گریزانند. اما تازه این فقط اول کار است. غیر بومی / فرنگی شدن تدریجی سیما، خسرو را به سرحد دیوانگی می رساند. و سرانجام وی از روی حسادت، «عاشق» انگلیسی سیما را می کشد و در نتیجه به بیست سال زندان محکوم می شود. برای خسرو راه غربت با رقص و شراب شروع می شود و با حبس و رسوایی به پایان می رسد.

دو تکه از این داستانهای پر خواننده جایگاه رقص افراطی (و در نتیجه علت بیم از رقص) را در فرهنگ ایرانی نشان می دهد. این نوع رقص، عملی نه تنها غیر ایرانی بلکه تهدید آمیز و مضر تلقی می شود. رقص حکم مرضی را دارد مانند سوزاک که گویا فرنگی ها فرهنگ اصیل ایرانی را با آن آلوده ساخته اند. همان طوری که طرح مشابه این داستان به خوانندگان می آموزد، رقص افراطی (خواه به سبک هندی خواه به روش انگلیسی) یکی از وسوسه هایی است که می تواند باعث سرنوشت شوم افراد و به هم زدن نظام اخلاقی جامعه گردد.

سخن کوتاه: کتاب بیم از رقص ابعاد گوناگون رقص یک نفری را در فرهنگ ایرانی به خوانندگان انگلیسی زبان به طور آموزنده ای معرفی کرده است. بررسی پدیده بیم از رقص این فرصت را به نویسنده داده است که این هنر ایرانی تا اندازه ای کم شناخته شده را از دید مردم شناسی و هنرشناسی و علوم سیاسی به بحث و نقد بگذارد. البته کتاب دکتر شی، مانند هر کتاب دیگری، از نادرستیهای چاپی خالی نیست. بنابراین در پایان چند نکته ناچیز را به منظور بهبود چاپهای آینده کتاب به آگاهی نویسنده و ناشر کتاب می رسانم:

۱- مسأله لاتین نویسی حروف مشدد: ص ۱۳ و ۱۸۴ رقااص بازی raqas bazi باید raqqas bazi باشد و همچنین ص ۴۹ و ۱۸۰ raqas باید raqqas باشد (در ص ۹۰ رقااص به صورت raqqas و رقااصه به صورت raqqaseh نوشته شده). در ص ۱۰۱ muqqadas باید muqaddas باشد. در توضیح تصویر شماره ۹ (ص ۲۰۵) و ص ۲۲۱ naqqashi-ha باید naqqashi-ha باشد.

۲- ص ۳۵ shah-nameh باید Shah-nameh باشد.

۳- ص ۹۹ nagqali باید naqqali باشد.

۴- ص ۱۶۸ شاید منظور از Barg-e-Behesht (برگ بهشت)، Bagh-e-Behesht

(باغ بهشت) باشد.

دانشگاه رانگرز- نیوجرسی

می ۲۰۰۰

یادداشتها:

- ۱- سیمین دانشور، سووشون، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۳، ص ۷۳-۷۴.
- ۲- حسن کریم پور شیرازی، باغ مارشال، تهران، نشر اوحدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸-۱۷۹.
- ۳- همان کتاب، ص ۱۸۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی